

مگر

مگر

یادداشتی از علی محمد مودب
بهار و روح بخش
و شناخت ما از عالم روح



یادداشتی از دکتر موسی نجفی
ابطال پذیری مهندسی کاریکاتوری
انقلاب در جامعه امروز ایران



یادداشتی از آرش شفاعی
آیا «تختی» باید
می فروخت؟



ورزشی

یادی از شماره هشت تیم ملی در سالروز درگذشتش

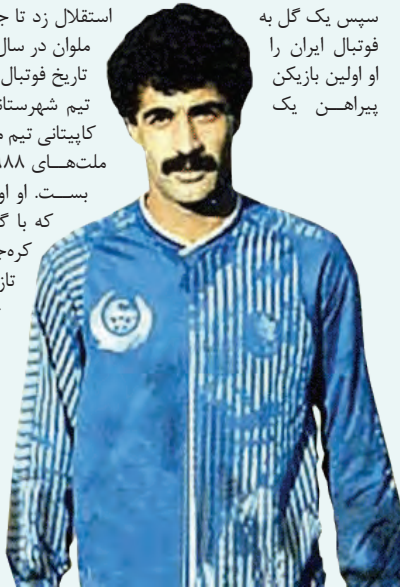
قایقران؛ کاپیتان اولین ها

هفدهم فروردین ماه سال ۱۳۷۷ که انجمن سیروس هنگام سفر به تهران و در حوالی امامزاده هاشم با کامیونی برخورد کرد و سیروس و راستین، پسر شیرین سخن او جان سپردند، جوانان ۱۸ و ۱۹ ساله کنونی هنوز به دنیا نیامده بودند. پس چرا اغلب حاضران در مراسم یادبود سیروس را همین جوانان تشکیل می‌دهند؟

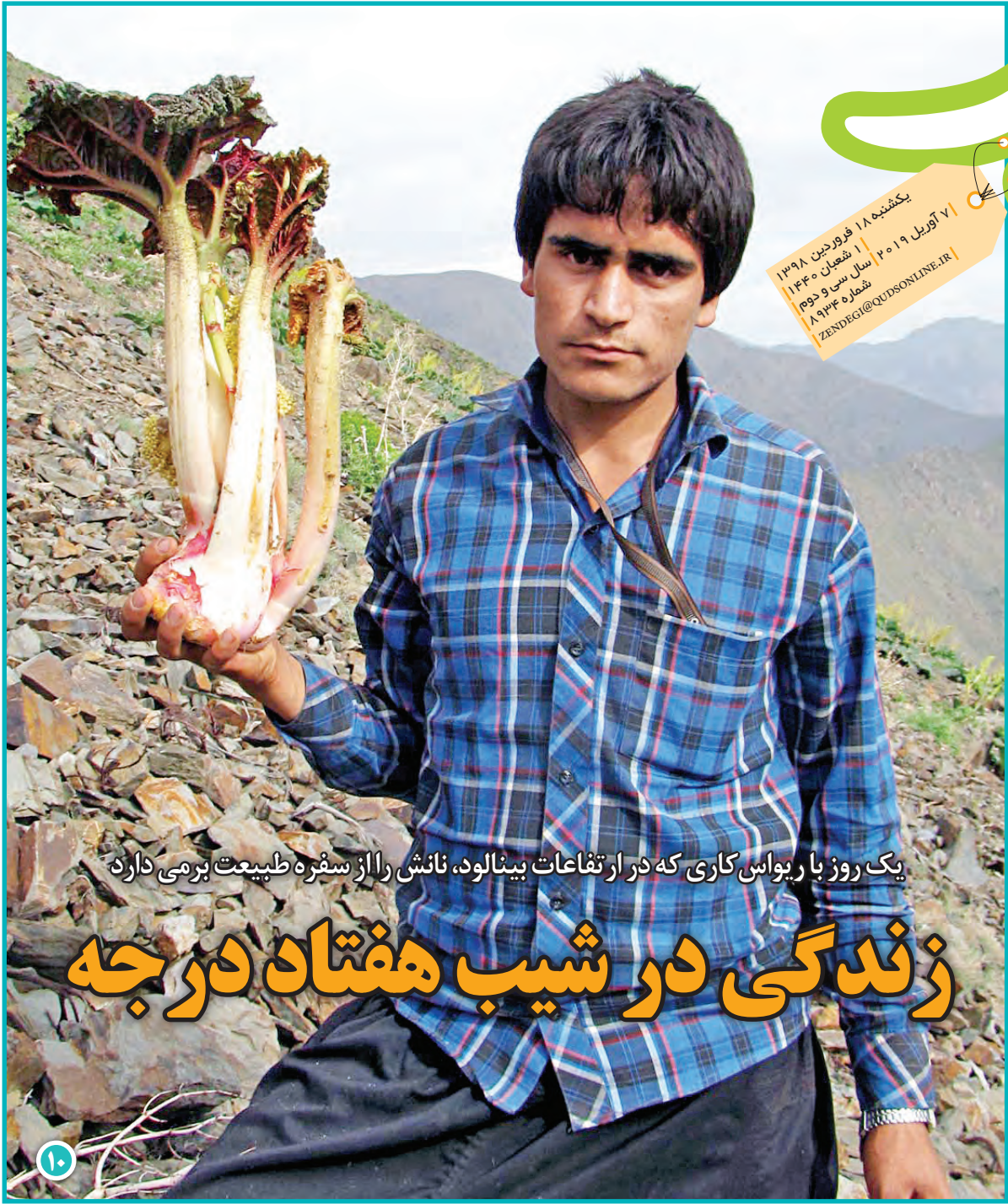
آن‌ها از پدران خود درباره سیروس چه شنیده‌اند؟
آمار و ارقام البته گویای همه چیز هست. قایقران بسیاری از عناوین «اول» را در فوتبال انزلی، گیلان و ایران در اختیار دارد. او اولین بازیکنی است که در ۱۷ سالگی برای تیم بزرگسال ملوان بازی کرد. ملوان آن دوران که پرسپولیس و استقلال را شکست می‌داد و لژیونر بر اندام حریفان می‌انداخت. او اولین بازیکنی است که در فاصله ۴۸ ساعت ابتدا دو گل به پرسپولیس و سپس یک گل به

فوتبال ایران را
او اولین بازیکن
پیراهن یک

سپس یک گل به
فوتبال ایران را
او اولین بازیکن
پیراهن یک
سپس یک گل به
فوتبال ایران را
او اولین بازیکن
پیراهن یک
سپس یک گل به
فوتبال ایران را
او اولین بازیکن
پیراهن یک



یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۸
۱۱ شهریور ۱۳۴۰
۱۹ سال سی و ۱۳۶
شماره ۱۳۳۳
ZENDEGI@QUODSONLINE.IR



یک روز با ریواس کاری که در از تقاعات بینا بود، نانش را از سفره طبیعت برمی دارد

زندگی در شیب هفتاد درجه

۱۰

سینما و سینما

نگاهی به اکران نوروزی ۹۸ و چالش‌هایش
سینمایی که نکوست
از بهارش پیداست؟!

ایستگاه

«مهدی تاج» نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا شد

آقای مدیر بالفطره

خبر انتخاب «مهدی تاج» به عنوان نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا، شاید برای فوتبال ایران خیلی غیرمنتظره و یا خوشحال کننده نباشد، اما برای این صفحه و گزارش از شخص بهانه خوبی است. در واقع این دومین بار است که «تاج» جای «کفاسیان» را در یک پست فوتبالی می‌گیرد و برای ما که پیش از این «کفاسیان» را چند بار سوزده مطالب این صفحه کرده و حتی او را به اندازه توانمان نواختیم، فرصت خوبی است که

جانیشینش را هم زیر ذمین گذاشته و کمی با او کنار برویم! نکته مهم و شاید کمتر گفته شده درباره نایب رئیس شدن «تاج» در کنفدراسیون فوتبال آسیا این است که رئیس فدراسیون فوتبال کشورمان برای رسیدن به پست آسیایی‌اش تنها یک رقیب از کشور فرقیزستان داشت که پیش از آغاز رقابت...



اندیشه

نقد دیدگاه مصطفی ملکیان توسط مهدی عبداللہی

تقدم ایمان بر معرفت، فرزند باورهای
مسیحیت تحریف شده است



خواندنی‌ها

گله‌مندی شاه پهلوی از آمریکایی‌ها!

اسدالله علم که در تاریخ معاصر ایران به عنوان محرم اسرار محمدرضا پهلوی معروف است، در سمت وزیر دربار، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های حیاتی و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بر عهده داشت. البته اعتماد دولتمردان و سفیران آمریکا و انگلیس به آقای علم هم استحکام موقعیتش را تضمین می‌کرد. علم در بخشی از خاطراتش در خصوص روابط شاه با مقامات آمریکایی و دل بر شاه از آن‌ها می‌نویسد: «شام در خدمت بودم که شاه از برنامه رادیو مسکو که اعلام کرده بود ایران و شوروی با هم می‌توانند حافظ صلح در خاورمیانه باشند، اظهار خوشوقتی کرد. سرانجام تقریباً تنها حافظ به جز والا حضرت فاطمه و همسرش ارتشبد خاتمی که فرمانده نیروی هوایی است و پهلبد و والا حضرت شمس. تعجب کردم که شاه باز دیگر به سیاست آمریکا و عدم حساسیتش نسبت به نیازهای ایران حمله کرد. احساس می‌کنم که قصد دارد با روس‌ها وارد معامله بزرگی شود و زمینه را برای انعکاس قصور آمریکایی‌ها فراهم می‌کند. او انتظار مخالفت مرا داشت و مدتی در این باره بحث کردیم. در مرحله‌ای شاه گله کرد که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها هیچ توجه راهبردی برای خرید نفت از شوروی مثل کویت، ابوظبی یا لیبی ندارند. قبول کردم، اما اشاره کردم که در نظام سرمایه داری، منافع مالی همه چیز را توجیه می‌کند.»

موسی قتیبه حقانی، آخرین شاه، آخرین دربار، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱

روایت

حال خوب در پلدختر

امروز با موتور خوردم زمین! دو بار! تمام خیابان‌های شهر گل‌آلود است. سر خوردم. کتفم درد شدیدی دارد. رگم هلال‌احمر شاید مسکنی بگیرم. گفت: «برو بیمارستان عکس بگیر.» به مسخره گفتم: «خودم گوشه‌ی دارم! میخوای تو ازش عکس بگیر! مرد حسایی! با چی عکس بگیرم؟! کو دستگاه رادیولوژی؟!» نگاهی عاقل‌اندر سقیه انداخت و گفت برو طرف مقبره شهید، به بیمارستان سیار زند!

رفتم. عجب بیمارستانی! همه تخصص‌های پزشکی؛ گوش، حلق و بینی، پوست، داخلی، ارتوپدی و... داشت. متخصص دندان هم داشت. رادیولوژی، سونوگرافی وام آرای و اتاق عمل نیز! حیرت کردم. اورژانس پرسید مشکل چیست؟ من که دیدم ویزیت و دارو و... رایگان است، به شوخی گفتم: «سیل دندان‌هایم رو خالی کرده، بی‌حمت برش کنید.» گفتم از فرصت رایگانی بهره ببرم! الان ۳۰۰۰ تیرهای ارتش، هلال‌احمر، ناجا، سپاه، بسیج و مردمی در شهر هستند. پای کار و عملیاتی. برای همین حال خوب امروز مرا کمی به نمک برانی و داشت. رئیس بیمارستان سیار نیروی زمینی سپاه گفت دو روز است که در شهر هستند و به ۲۴۰ بیمار رسیدگی کردند. گفتم: به کم همکار! برای همین رگم از اتاق عمل عکس گرفتم. از مصدومی که آماده جراحی می‌شد! کاش صدوسیما به جای گزارش‌های تکراری و یک خطی، این چیزها را منعکس می‌کرد. ورود نیروهای مردمی ورق را در شهر برگرداند. ارتش و سپاه هم منسجم شده‌اند. اما هنوز هلال‌احمر برای ناجا نیروی تازه نفس آمده و جان گرفته. از اینستاگرام جواد موگویی

نگاهی به پرتیرازترین کتاب‌های سال ۹۷ زرد و آبکی یا ساده و خواندنی؟!!

محمد تربت‌زاده | صدقه سری غول بی‌شاخ و دمی به نام کنکور - که قربانان بروم نمیی از جوان‌های کشور را در عنفوان جوانی پیر کرده - پر فروش‌ترین کتاب‌های سال ۹۷ طبق روال هر سال، کتاب‌های کمک‌درسی و کنکوری بوده‌اند. گذشته از کتاب‌های کنکوری و کمک‌درسی، همان‌طور که مستحضر هستتید آمار دقیقی از فروش کتاب در کشورمان در دست نیست و مؤسسه کتاب‌های را نه بر اساس تعداد چاپ بلکه بر اساس شمارگان آن‌ها لیست کردیم.

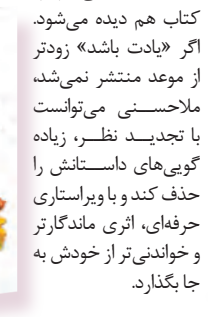
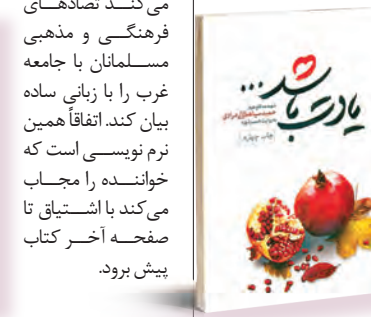
محمد تربت‌زاده | صدقه سری غول بی‌شاخ و دمی به نام کنکور - که قربانان بروم نمیی از جوان‌های کشور را در عنفوان جوانی پیر کرده - پر فروش‌ترین کتاب‌های سال ۹۷ طبق روال هر سال، کتاب‌های کمک‌درسی و کنکوری بوده‌اند. گذشته از کتاب‌های کنکوری و کمک‌درسی، همان‌طور که مستحضر هستتید آمار دقیقی از فروش کتاب در کشورمان در دست نیست و مؤسسه کتاب‌های را نه بر اساس تعداد چاپ بلکه بر اساس شمارگان آن‌ها لیست کردیم.

زرد و آبکی!

اگرچه کتاب‌های به درد بخوری مثل «چقدر خوبیم ما» نوشته ابراهیم رها، «جزء از کل» نوشته استیو تولتز و ترجمه پیمان خاکسار و «دختر شینا» نوشته بهناز ضرابی‌زاده هم در لیست کتاب‌های پرتیراز سال ۹۷ دیده می‌شوند اما بخش عمده کتاب‌های این لیست را - پس از حذف کتاب‌های کمک‌درسی و کنکوری - کتاب‌های زرد و تجاری تشکیل می‌دهند. کتاب‌هایی که به لطف تبلیغات گسترده - و تنها برای پر کردن جیب ناشر - در شمارگان نجومی به چاپ می‌رسند، اما حداقلی‌ترین استانداردهای لازم برای کتاب بودن را هم ندارند! شاید چاپ کتاب‌های زرد در تیراژ نجومی از نظر خیلی‌ها ایرادی نداشته و تنها نتیجه‌اش پر شدن جیب ناشرها باشد. اما کوچک‌ترین آسیب این کتاب‌ها، اشباع بازار و جلوگیری از عرض اندام کتاب‌های به درد بخور است. گذشته از این، انتشار گسترده این کتاب‌ها سلیقه خواننده‌ها را به سطحی‌ترین جایگاه ممکن تنزل می‌دهد و این کج سلیقه‌ی ادبی در دراز مدت آثار جبران‌ناپذیری بر بازار نشر و ادبیات و در ابعاد بزرگ‌تر جامعه می‌گذارد.

ساده و خواندنی

رمان «خاطرات سفیر» نوشته «تیلوفر شادمهری» با ۳۲ نوبت تجدید چاپ و شمارگان ۸۰ هزار نسخه‌ای در جایگاه سوم کتاب‌های پرتیراز کشور در سال ۹۷ قرار می‌گیرد. این کتاب که توسط انتشارات «سوره مهر» منتشر شده، خاطرات نویسنده را به عنوان یک دختر مسلمان ایرانی در یک خوابگاه دانشجویی در فرانسه روایت می‌کند. خاتم نویسنده خودش را سفیر و نماینده ایران و در ابعاد بزرگ‌تر سفیر مسلمانان در قلب اروپا معرفی می‌کند و از چالش‌های زندگی یک مسلمان در اروپا می‌گوید. نیلوفر شادمهری قلمی روان و ساده دارد و تلاش می‌کند تضادهای فرهنگی و مذهبی مسلمانان با جامعه غرب را با زبانی ساده بیان کند. اتفاقاً همین نرم نویسی است که خواننده را مجاب می‌کند با اشتیاق تا صفحه آخر کتاب پیش برود.



مطلبی‌ام، پس هستم!
امکان ندارد گذر زمان به کتابفروشی افتاده باشد اما «ملت عشق» را در ویرترین ندیده باشید! این رمان که نوشته یک نویسنده ترک به نام «الیف شافاک» است، توسط «ارسلان فصیحی» ترجمه شده و انتشارات «ققنوس» چاپ آن را بر عهده دارد. ملت عشق در سال ۹۷ حدود ۳۴ بار تجدید چاپ شده است و در مجموع حدود ۱۴۰ هزار نسخه از این کتاب به چاپ رسیده که آمار قابل توجهی است. ملت عشق دو ماجرای متفاوت در دو برهه تاریخ را روایت می‌کند. یک روایت، داستان زنی یهودی به نام «للا» در زمان معاصر است و دیگری روایت زندگی شمس و مولانا در قرن هفتم هجری.

عاشقانه‌های یک شهید

«یادت باشد» رمانی از خاطرات همسر شهید مدافع حرم «حمید سیاهکالی‌مرادی» به قلم «رسول ملاحسنی» است که توسط انتشارات «شهید کاظمی» به چاپ رسیده است. این کتاب نخستین بار در سال ۹۷ و در مدت کوتاهی ۳۶ نوبت تجدید چاپ شد تا در عرض یک سال به چاپ ۹۰ هزار نسخه‌ای برسد! معمولاً کتاب‌هایی که در فرم زندگینامه و خاطره‌نگاری، ماجرای زندگی شهدا و فرمان‌های ملی و مذهبی را روایت می‌کنند، تم مذهبی، تاریخی یا جنگی دارند. این دست کتاب‌ها با وجود محتوای ارزشمندی که در وقت‌ها به ورطه شعارزدگی می‌افتند و در مواردی کلیشه‌ای می‌شوند و مخاطب را با حرف‌های تکراری به ستوه می‌آورند.

«یادت باشد» اما بدون شک یکی از بهترین و متفاوت‌ترین کتاب‌هایی است که در حوزه تاریخ شفاهی به چاپ رسیده است. این کتاب ماجرای عشق دو جوان دهه هفتادی را روایت می‌کند و در نهایت با شهادت شهید سیاهکالی به پایان می‌رسد.

«یادت باشد» مثل برخی از کتاب‌های حوزه تاریخ شفاهی، حرف‌های مستقیم و کلیشه‌ای به خورد خواننده نمی‌دهد و از شخصیت‌های قهرمان و اسطوره فرامی‌نمینی‌سازی. شخصیت‌های «یادت باشد» آدم‌هایی از جنس مردمانند، برای همین راحت به دل مخاطب می‌نشینند.

انتقاد از کتاب‌هایی که با مفاهیم مقدسی مثل شهادت پیوند خورده‌اند کار دشواری است، اما باید اعتراف کرد این کتاب می‌توانست بهتر از این حرف‌ها باشد! رسول ملاحسنی هم به این موضوع معترف است و می‌گوید عجله دست‌اندر کاران کتاب موجب انتشار پیش از موعد این کتاب شده است. عجله‌ای که در صفحه آرای و چاپ کتاب هم دیده می‌شود. اگر «یادت باشد» زودتر از موعد منتشر نمی‌شد، ملاحسنی می‌توانست با تجدید نظر، زیاده‌گویی‌های داستانش را حذف کند و با ویراستاری حرفه‌ای، اثری ماندگارتر و خواندنی‌تر از خودش به جا بگذارد.

مجازآباد

ایران قاسم سلیمانی‌ها

نجاح محمد علی، کارشناس عراقی شبکه من و تو، برنامه‌ریزی در یکی از برنامه‌های این شبکه به دلیل دفاع از انقلاب اسلامی و سردار حاج قاسم سلیمانی با مجری این برنامه درگیر شد. فیلم درگیری وی با مجری شبکه من و تو بی‌درنگ در شبکه‌های مجازی جنجالی شد. نجاح درباره این حواشی در توییت نوشت: «والله و به حق

کعبه سال‌هاست مشکلات مالی و معیشتی دارم، درست از زمانی که حاضر نشدم در العریبه باب میل سعودی‌ها علیه ایران بزرگ قلم بزنم! درد من مال نبود، درد من عشقی است که به ایران و ایرانی دارم. عشق ایران مرا از خود بی‌خود می‌کند! آتش به جانم می‌زند. ایران عشق است، ایران قاسم سلیمانی‌ها.»

باز هم انقلابی‌ها!
انتشار تصویری از دیگرهای غذایی که نیروهای بسیجی در مناطق سیل زده برپا کرده‌اند حسایی در فضای مجازی جنجال به پا کرده است. یکی از کاربران در این باره در توییت نوشت: «اونایی که عناد با عزاداری سیدالشهدا (دارن و می‌گن هزینه نکندیک واسه نذری، چشم‌اشون باز کنن و ببینن که هینتی‌ها یک اصل توی زندگی دارن و اونم اینه! کل یوم عاشورا و کل ارض کر بلا شما چی؟ از سفرای خارجی نوروزی زدی واسه کمک؟ یا از سواحل قزاقی فقط واسه سیاه‌نمایی توییت می‌کنی؟» کاربر دیگری هم نوشت: «باز هم بسیجی‌ها و انقلابی‌ها! دم همه شون گرم.»

شفاف‌سازی درباره کمک‌های خارجی
چند روزی است که شایعاتی در زمینه کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی به سبیل زدگان مطرح می‌شود. علی‌اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال‌احمر با انتشار یک پست توییتی به حواشی پایان داد. پیوندی در توییت نوشت: «همینون از همکاران عزیزمان در هلال‌احمر ترکیه و کویت و صلیب سرخ آلمان و سوئیس بابت کمک‌های بشردوستانه‌شان به سبیل زدگان، کمک‌های دیگری هم در راه است که جزئیات آن را بزودی منتشر می‌کنیم. مطمئناً کمک‌های خارجی هم مثل کمک‌های داخلی پس از صرف با هزینه به مردم گزارش می‌شود.»

مدیرعامل فتنه‌گر
مدتی پیش اعلام شد که امیر آریا زند یکی از اعضاکنندگان نامه به اوامرا و از زندانیان سیاسی سال ۸۸ به عنوان مدیرعامل برج میلاد منصوب شده است! کاربران هم در واکنش به این خبر هشتمگ #امیرآریازند را در توییتور داغ کردند. یکی از کاربران در این باره نوشت: «شما توی تلویزیون دو تا نقد از دولت بکن، عذرخواهی کافی نیست باید بری میبری. اما نامه بنویس به رئیس جمهور آمریکا و بگو تحریم‌های ایران کمه، لطفاً بیشتر کن؛ با سلام و صلوات می‌گذارت مدیرعامل برج میلاد!»

مدتی پیش اعلام شد که امیر آریا زند یکی از اعضاکنندگان نامه به اوامرا و از زندانیان سیاسی سال ۸۸ به عنوان مدیرعامل برج میلاد منصوب شده است! کاربران هم در واکنش به این خبر هشتمگ #امیرآریازند را در توییتور داغ کردند. یکی از کاربران در این باره نوشت: «شما توی تلویزیون دو تا نقد از دولت بکن، عذرخواهی کافی نیست باید بری میبری. اما نامه بنویس به رئیس جمهور آمریکا و بگو تحریم‌های ایران کمه، لطفاً بیشتر کن؛ با سلام و صلوات می‌گذارت مدیرعامل برج میلاد!»

گیاهی که از اسطوره‌ها آمده است



ریواس؛ همزاد و همراه کوهستان بینالود (همان روثت کوه یا کوه ریوند در متون کهن ایرانی) و رهاورد و نماد ابرشهر باستانی نیشابور است. این گیاه، ریشه در روایت اساطیری ایرانی پیدایش انسان دارد که مثنی و مشیناه از آن، برآمده‌اند. در آثارالبلاذ و اخبارالعیاد آمده است: «نیشابور از مدن خراسان، موصوفه به اصناف فضیلت و فواکه و ثمرات و همیشه قافله‌ها به آنجا نزول می‌نمایند و در قدیم مجمع و معدن علما بود. عمرو بن لیث صفاری گفت که: مقاتله می‌کنم بر شهری که گیای گویند» است و سنگ آن فیروزه است و این را از آن سبب گفت که به آنجا ریباسی است که مثل آن در هیچ کل زمین نیست». یعقوب لیث صفاری، هنگامی که بر نیشابور دست یافت، با بیان این عبارت، بر فتح بزرگ خود بالید؛ شهری را گرفته‌ام که گل آن خورنی، بوته آن ریواس و سنگ‌های آن فیروزه است.

ریواس، در اسطوره آفرینش انسان، نقش آفرین شده است. در متون کهن آمده که چون کیومرث (نخستین انسان) را اهورامزدا بیافرید، او مدت ۳۰ سال در کوه‌ها به تنهایی زندگی کرد و هنگام مرگ نطفه‌ای از او حاصل شد که به نیروی خورشید پرورش یافت و در خاک نگه داشت شد. پس از ۴۰ سال از محل آن نطفه، گیاه دوشاخه‌ای ریواس روید. سرانجام در مهرگان روز، از آن دوشاخه ریواس، مثنی و مشیناه به وجود آمد. پس از ۴۰۰ سال با یکدیگر ازدواج کردند و ثمره آن تولد نخستین فرزندان بود.

بر پایه این اسطوره، انسان این گونه بود که بر روی زمین پای گذاشت و گام‌های او بر پهنه کره خاکی گسترانیده شد. می‌دانیم که تومیسیم یکی از پدیده‌های اعتقادی کهن جوامع بشری است. اعتقاد به اینکه انسان نخستین از بوته ریواس پدید آمده، در واقع اعتقادی است مبتنی بر توتیم باوری گیاهی که سابقه آن به دوره نوسنگی می‌رسد.

ظاهراً گروهی از اقوام ابتدایی ساکن ایران، باور داشته‌اند که از گیاه ریواس پدید آمده‌اند و از این رو، این گیاه، توتیم قبیله، خاندان یا قوم آن‌ها به شمار می‌آمده است. بعدها این اسطوره کهن در آسیای میانه نیز عمومیت یافته و اصل کلی شده است.

اینک به نیشابور که یکی از میراثداران کهن تمدن ایرانی است باز می‌گردیم؛ باید گفت که ریواس، تنها به عنوان یک رهاورد از اقلیم و طبیعت گهرخیز دیار نیشابور، مطرح نیست بلکه به عنوان گیاهی که از یک سو همزاد و همراه بینالود و اقلیم کوهستانی نیشابور است و از سوی دیگر، گیاهی که ریشه در اسطوره و باورهای کهن ایرانی دارد، دارای ارزشمندی و بار معنایی خاصی در ذهن و اندیشه و باور نیشابوریان و ایرانیان می‌باشد. یکی دیگر از نام‌های ریواس، «ریوند» است که البته به ساقه خزنده ریواس، به طور خاص «ریوند» نیز می‌گویند. «ریوند» به معنی دارنده شکوه و جلال، و همچنین «ریوند» از نام‌های کهن سرزمین نیشابور است و افزون بر این، «ریوند»، نام یکی از ربع‌های ابرشهر نیشابور، در دوران‌های باستان است و همچنین «ریوند» نام کوهی است واقع در ایالت ساسانی نیشابور که آتشده کشاورزان و دهقانان ایران زمین (آتشگاه آذر برزین مهر) بر آن شعله می‌کشیده است و امروز نیز «ریوند» نام منطقه‌ای است در جنوب نیشابور. بنابراین، سرزمین نیشابور، تنها پیروزنده بهترین و باکیفیت‌ترین ریواس ایران است که از دیدگاه معنایی، معنوی و آیینی نیز پیوند دیرینه و تاریخی با این گیاه اسطوره‌ای برآمده از بلندی کوهستان بینالود دارد که ریواس، همزاد بینالود است و بینالود، مادر مهربان نیشابور.

ریواس یا ریا (Rheum)، گیاهی است از تیره ترشک‌ها و هفت بندها دارای ساقه خزنده زیرزمینی و گل‌های نر و ماده که در انتهای ساقه جمع می‌شوند. از مناطق عمده رشد این گیاه را در سطح جهان می‌توان به آسیای شرقی و در بسیاری از مناطق کوهستانی و سرد نیمکره شمالی (آسیا، اروپا و آمریکای شمالی) دانست. در ایران نیز در بلندی مناطق کوهستانی، این گیاه به صورت خودرو به عمل می‌آید اما بهترین و باکیفیت‌ترین ریواس ایران، در دامنه‌های جنوبی کوهستان بینالود - که بر دشت نیشابور مشرف است - بدست می‌آید. شهرستان نیشابور، دارای شرایط اقلیمی مناسبی برای پرورش گیاه ریواس است و از این رو ریواس نیشابور از دیرزمان شناخته شده و توسط کوهپایه نشینان پرورش می‌یافته و ریشه این گیاه در قدیم از نیشابور به سایر مناطق دور و نزدیک، تجارت می‌شده است. کار و پیشه ریواس کاری نیشابور، همچون سنتی دیرینه، به امروز نیز رسیده است و این گیاه در دامنه جنوبی رشته کوه بینالود، توسط کوهپایه نشینان در روستاهای میرآباد، برف ریز، بوزان، گرینه و شهرهای خرو و درود... به صورت یک گیاه پرارزش و تحت مراقبت‌های خاص پرورش پیدا می‌کند.

ریواس، فرآورده کشاورزی کوهستانی ویژه نیشابور در بهار است که مزایای اقتصادی قابل توجهی را نیز برای ریواس کاران و اهالی کوهپایه‌های نیشابور در دامنه‌های بینالود به ارمان می‌آورد و به عنوان فعالیت جنبی در کنار سایر فعالیت‌های کشاورزی و باغداری منطقه، کمک شایان به اقتصاد خانواده‌ها و پویایی اقتصاد توانمند کشاورزی منطقه است. از ریواس، فرآورده‌هایی مانند «شربت ریواس»، «خوشاب ریواس»، «شکنه ریواس»، «سالاد ریواس»، «کوکوی ریواس»، «لوانک»، «خورش ریواس»... و هم فراهم می‌شود.

مردم/ حسن احمدی فردا «حسن آقای برف‌رازی» معتقد است، پرورش ریواس، سخت‌ترین کار دنیا است. او اهل روستای «میرآباد» نیشابور است، جایی که ریواس‌هایش زیند است. نه فقط در نیشابور و مشهد که در همه شهرهای بزرگ، ریواس‌های میرآباد، مشتری‌های خودش را دارد؛ ساقه‌های ترد و پر آبی که طعم میوه‌ها و سبزی‌های بهاری را کامل می‌کند. البته هنوز چند هفته‌ای کار دارد تا ریواس‌های میرآباد به بازار بیاید.

مردم روستاهای دامنه بینالود، پشت در پشت کارشان، پرورش ریواس بوده و هست؛ آن هم به شیوه‌ای سنتی. انگار زمان، راهش را در دره‌های پرپیچ و خم و دیواره‌های بلند بینالود گم کرده است. ریواس کارها، همان طوری این محصول ترش و شیرین را به عمل می‌آورند که هزاران سال پیش از این به عمل می‌آمده است. هیچ عنصر صنعتی در به عمل آوردن ریواس نقشی ندارد، هر چه هست هنر طبیعت است و البته سختکوشی مردمی که نانشان را از بوته‌های خردوری گیاهی به دست می‌آورند که برگ‌های پهنی دارد و ساقه‌هایی ترد و کشیده. گیاهی که تنها در کوهپایه‌های سنگلاخی رشد می‌کند و آب و آفتاب فراوانی می‌خواهد.

کشت و کار در دامنه‌ها
در روستای میرآباد هر کدام از دامنه‌ها و انبوه بوته‌های ریواس، مال یکی از اهالی است. اهالی به تقسیم بندی‌های که وجود داشته و دارد، احترام می‌گذارند و کم پیش می‌آید که بر سر مالکیت دامنه‌ای، اختلافی بروز کند. این تقسیم‌بندی‌ها، سال‌های سال است که دست نخورده باقی مانده است. دامنه‌ها و بوته‌های ریواس، از پدرها به پسرها ارث می‌رسد و بین برادرها، تقسیم می‌شود. گاهی هم پشت قباله عروسی می‌شود که به خانه بخت می‌رود. کار پرورش بوته‌های ریواس البته یک کار کاملاً مردانه است و اگر عروسی هم زمینی داشته باشد، آن را به همسرش واگذار می‌کند تا ریواس‌هایش را برداشت کند. در این میان، پسرها، در روستای میرآباد، کمک کار پدرشان هستند. آن‌ها همپای مردهای میانسال، از سنگلاخ دامنه‌ها بالا می‌روند و کار پرورش ریواس را بی می‌گیرند. بوته‌های ریواس، البته به اندازه چند ساعت پینه‌روی توی کوه و کمر، از روستای میرآباد، دوراست. آقای برف‌رازی تصریح می‌کند که: «با سرعت رفتن ما، یک ساعت، با سرعتی که شما می‌توانید بیاید سه، چهار ساعت».

او پسرش «علی برف‌رازی» یاد گرفته‌اند که چطور مسیر چند کیلومتری و ناهموار روستا تا بوته‌ها را بدون استراحت طی کنند. در فصل برداشت ریواس یعنی از اواخر فروردین تا اوایل خردادماه، آن‌ها ۲۵، ۲۰، ۲۵ باری باید همین راه را بروند و برگردند. آن‌ها هر بار که برمی‌گردند، ۳۰-۴۰ کیلو ریواس را هم با خودشان به روستا می‌آورند. راه پر پیچ و خم است و مالرو و از وسط دره‌ای می‌گذرد که یک رودخانه پر آب هم دارد. بخشی از راه را می‌شود با موتورسیکلت طی کرد، اما باقی راه را باید پیاده رفت.

آقای برف‌رازی می‌گوید: «در قدیم که موتور نبود، همه کارها با الاغ انجام می‌شد. حتی همین حالا هم که انواع و اقسام موتورسیکلت ساخته شده، باز هم تنها الاغ است که می‌تواند از شیب‌های تند بالا برود و پایین بیاید. الاغ‌ها اگر نمانند کار پرورش ریواس، بسیار سخت‌تر می‌شود.»

کارگاه زدن در دل کوه

کار پرورش ریواس درست از وقتی آغاز می‌شود که کار برداشت ریواس تمام بشود. در پایان فصل برداشت یعنی وقتی تابستان دارد از راه می‌رسد، ریواس کارها باید بوته‌هایی را که برای تولید ریواس در سال بعد مناسب هستند، مشخص کنند. آن‌ها هر بوته‌ای را که مناسب بدانند، برگ‌های پهنش را روی خودش برمی‌گردانند و یک تخته سنگ می‌گذارند روی آن. برای آنکه تخته سنگ‌های که زیرشان بوته ریواس است، از دیگر تخته سنگ‌های دامنه تشخیص داده شود، روی آن را رنگ می‌زنند.

کار «سنگ‌خو» (سنگ خواب) یعنی سنگ‌گذاری روی بوته‌ها و رنگ زدنشان که تمام بشود، کار ریواس کارها هم تمام شده است. آن‌ها همه تابستان، پاییز و زمستان سرانگی از بوته‌ها نمی‌گیرند و وقتشان را در باغ‌های میوه می‌گذرانند. زمستان که تمام بشود و برف‌های کوه که شروع به آب شدن کنند، وقت آن است تا ریواس کارها به

کودن کارگاه. آن‌ها با بیلچه مخصوص، که نوک تیزی دارد و دو تا صفحه ۵ سانت در پهلوهایش، سنگ و خاک‌ها را کنار می‌زنند و ساقه‌های چند شاخه بلند و ترد ریواس را می‌چینند که در نبود آفتاب، رنگشان از گلپه‌ی به سفیدی می‌زنند. ریواس تازه از خاک در آمده را که گاز بزنی، تاز می‌فهمی آنچه در همه این سال‌ها، به اسم ریواس می‌خورده‌ای، تفاوت فراوانی با ریواس دارد. ریواس‌های تازه، طعمشان بیشتر از آنکه ترش باشد، ملس است و گاه حتی به شیرینی می‌زند.

آنچه می‌خوانید

دامنه‌ها و بوته‌های ریواس، از پدرها به پسرها ارث می‌رسد و بین برادرها، تقسیم می‌شود. گاهی هم پشت قباله عروسی می‌شود که به خانه بخت می‌رود

در جست‌وجوی آفتاب

حسن آقای برف‌رازی معتقد است، هیچ گیاهی قدرت بوته ریواس را ندارد. او می‌گوید: «هر گیاه دیگری که باشد، زیر آن همه خاک و سنگ می‌پوسد و از بین می‌رود اما بوته ریواس، قد می‌کشد تا خودش را به آفتاب برساند».

او می‌گوید: «بوته ریواس، آب باران و قوه خاک را جذب کرده و در خودش ذخیره می‌کند. همین است که به گیاه قدرت می‌دهد تا سنگ و خاک‌ها، را پس بزند و خودش را به آفتاب برساند».

شب‌ساکت کوهستان

حسن آقای برف‌رازی می‌گوید: «همین که ریواس را بچینی و از ریشه جدا کنی، شروع می‌کند به ترش شدن، هر چقدر هم که بیشتر بماند و بیشتر آفتاب بخورد، ترش تر می‌شود». برای همین فصل برداشت ریواس که می‌شود، بسیاری از اهالی میرآباد، شب‌ها به کوه می‌زنند تا بتوانند شبانه یا صبح سحر، کار برداشت ریواس‌ها را شروع کنند؛ بخصوص اگر شب‌ها هم مهتابی باشد، رفت و آمد و کار کردن در شیب تند کوهپایه‌ها آسان‌تر می‌شود. تجربه کار کردن در شب، تجربه بی‌ظنری است؛ نسیم خنک شبانگهی زیر آسمان پرستاره و صدای وحوشی بیرون آورد. ریواس‌های میرآباد چند هفته بعد دم‌برگ‌هایشان را آرام آرام از لای سنگ و خاک کارگاه‌ها به بیرون می‌رسانند؛ تا ریواس کارها دوباره از ریواس‌ها سیراغ بگیرند؛ هرچند همین حالا هم ریواس‌های بعضی از کارگاه‌ها رسیده‌اند.

تازه، شیرین، پر آب

میرآبادی‌ها به بیرون آوردن ساقه‌های ریواس از دل سنگ و صخره کوهستان می‌گویند «خراب



یک روز با ریواس کاری که در ارتفاعات بینالود، نانش را از سفره طبیعت برمی‌دارد

زندگی در شیب هفتاد درجه

دامنه‌ها پایین افتاده و سقط شده است. حسن آقا، داستان را این طور تعریف می‌کند:

«از صبح سحر آمده بودیم و ریواس‌ها را جمع کرده بودیم. عصر بود که برگشتیم سمت روستا. شاید ۱۰۰ کیلویی ریواس می‌شد که بار حیوان کرده بودیم. میرآبادی‌ها در لهجه خودشان، به شیب‌های تند می‌گویند «قر» اما وقتی شیب خیلی تند باشند می‌گویند: «قرقر». جایی هست پایین‌تر از کارگاه‌های ما به نام «قرقر بالا» به همانجا که رسیدیم، حیوان سسر خورد. من دودیم که بگیرمش اما نتوانستم و حیوان با بارش پرت شد پایین دره. حالا ریواس‌ها که مهم نبود اما خیلی دلم برای حیوان سوخت. امسال، وسعم نمی‌رسد الاغی بخورم. هر الاغ ۲،۲ میلیون تومان قیمت دارد. حالا خودم و پسر، ناچار شده‌ایم بار ریواس‌ها را با کوله پشتی به روستا بیاوریم.»

زیستن در کومه‌های سنگی

در سال‌های پر باران و پر محصول، یک خانواده ریواس‌کار می‌تواند تا ۱۰۰۰ کیلو و بیشتر از آن هم، محصول برداشت کند. این البته تنها برای همین‌هاست که عصرها وقتی حسن آقا، به سمت روستا در حرکت است، سرخوش صدایش را در سکوت دره رها می‌کند و همراه موسیقی رودخانه، آواز می‌خواند. صدای او تا دامنه‌ها می‌رود و برمی‌گردد. صدای او، حتماً به ساقه‌های ترد ریواس هم می‌رسد که در دل تارک کارگاه‌ها، منتظر رسیدن به آفتاب هستند. می‌خواند که:

باری بر دوش الاغ‌ها

در روستای میرآباد، هنوز هم مثل همان قدیم‌ها، وظیفه آوردن ریواس‌ها از کوه به روستا، با الاغ‌هاست. عصرها توی دامنه‌ها و دره‌ها می‌شود الاغ‌هایی را دید که خورجینشان پر از ریواس است و به سمت روستا برمی‌گردند. چارپاها در میرآباد بازار خوبی دارد؛ آنقدر که برخی از کولی‌ها، در ابتدای فصل برداشت ریواس الاغ‌هایشان را به میرآبادی‌ها اجاره می‌دهند. الاغ‌ها تا اول تابستان در اجاره میرآبادی‌ها می‌مانند تا کار رساندن ریواس‌ها به روستا را راحت کنند؛ و بعد از آن دوباره به کولی‌ها برگردانده می‌شوند. حسن آقای برف‌رازی اما چارپایی ندارد تا بار ریواس‌ها را پشت حیوان بگذارد. الاغ او سال گذشته در همین روزهای بهاری، از شیب یکی از



کلیدها



روزنوشته‌های علی محمد مؤدب

بهار روحيش و شناخت ما از عالم روح

بهار رنگ اول است... پر است از تولد... درخت‌ها برگ می‌کنند و گوسفندا بره می‌آورند... زمین مرده زنده می‌شود و زندگی با تمام توان رخ می‌نماید. از این جهت دیدن بهار، فرصتی است برای اینکه به زندگی بیندیشیم و به اینکه چقدر مرگ ما را تصرف کرده است... مسا در حال بیخ زدن و خاک شدن هستیم و هر تغییری می‌تواند به ما کمک کند تا به زندگی برگردیم. همین است که جهان مدام در حال چپیدن و تغییر است و ثابت ندارد. این دنیا اگر ثابت داشته باشد ما را خواهد کشت. همین است که بازنشسته‌ها هر صبح در پارک‌ها می‌دوند تا خون در رگ‌هایشان گردش پیدا کند. همین آدم‌ها تا دیروز یادشان هم نمی‌آمد که بوستانی هم هست. تغییرات، زندگی بخش هستند و بهار نخستین تغییر مهم هر سال است. تغییرها به یادمان می‌آورند که ما هم باید چیزی بشویم. درخت برهنه آخر اسفند، روز ۱۳ فروردین پر است از گل و بلبل، یا کرم‌های جوان شاخه جمع می‌کنند و لانه می‌سازند تا جوجه بیاورند. این همه حرکت در زندگی و طبیعت، اتفاقی می‌افتد تا زندگی بیاورد و زندگی به نوبه خود مرده زندگی دیگر است. زندگی دنیایی، فرصتی شبیه لوییایی سحرآمیزی است که به ما داده‌اند تا به زندگی جویان برسیم و اگر این بذر در دست نکاریم و هدر بدهیم فرصت‌ها را از خودمان دریغ کرده‌ایم. سلمان هراتی شاعر ارجمند معاصر می‌گوید: «بهار آمده استای انسان! چه گلی به سر خویش زده‌ای؟»

ما گلدانی در خانه داشتیم که در تعطیلات عید به کسی سپردیم تا هر چند روز یک بار بیاید و آن را آب بدهد. طبق معمول متولی این قصه کمی غفلت کرد و بسیاری از برگ‌های گل‌ها خشکیدند. خشکیدن گل‌ها زود به چشم می‌آید. اما روح ما هم برای خودش درختی است، کمتر کسی به این توجه می‌کند که این روح چه غذاهایی لازم دارد. بسیاری عادت داریم تا هر چیزی را که از آن خوشممان می‌آید روحاناز یا غذای روح بنامیم اما در واقع چه چیزی به کار روح می‌آید؟ این روزها که بهار با ماه رجب همزمان شده، فرصت مناسبی است تا ما مضامین برخی دعاها را مرور کنیم و ببینیم لوییایی ما چه چیزهایی را برای ارواح ما لازم دانسته‌اند. روح اصل وجود ماست و آن چیزی است که ما با خود می‌بریم. اما خیلی کم متوجه روحمان هستیم و گاهی هم که به آن توجه می‌کنیم اشتباه می‌کنیم و احساس‌ها و نیازهای تن را به عنوان نیازهای روح ارزیابی می‌کنیم و آن‌ها را مسائل روحانی خودمان می‌نامیم. دقت در محتوای دعاها مهمی که از زبان امامان هدایت‌رسان روایت شده‌اند بسیار به ما کمک می‌کند که ببینیم چقدر روح خودمان و نیازهای آن را درست شناخته‌ایم.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

آقای گذشته

هفت‌نامه تایم یکی از گزینیهایی مطرح برای انتخابات سال ۲۰۲۰ عقاید و گذشته او را مورد سنجش قرار داده است.



«جو بایدن» معاون ریاست جمهوری ایالات متحده در زمان اوباما که از او به عنوان یکی از گزینیهایی مطرح حزب دموکرات برای انتخابات سال ۲۰۲۰ در رقابت با ترامپ نام می‌برند، گذشته پرحاشیه و قبالت نظرانش نسبت به زنان و البته اتهاماتی مبنی بر آزار جنسی دارد. تایم در پرونده خود می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که در عصر ترامپ و رفن‌های پر از حاشیه‌هایش چه حد و مرزهایی برای سیاستمداران این کشور باقی مانده است.

لبه پر تگاه

هفت‌نامه ویک در تازه‌ترین شماره خود به شرایط بحرانی بریتانیا در میان تلاش‌های این کشور برای حل مسئله خروج از اتحادیه اروپا پرداخته است. این نشریه با طراحتی انبوهی دوطبقه مشهور شهر لندن که در لبه پر تگاه قرار داشته و مسافران آن تمامی سیاستمداران مشهور بریتانیا هستند، از عدم توانایی این کشور برای رها کردن خود از کابوس بزرگ‌زیستی می‌گوید.



ویک همچنین مقاله‌ای پیرامون کریس آیواز بازگر مشهور هالیوود که شهرت خود را مدیون حضور در فیلم برقریرمانه «کاپیتان آمریکا» و سری فیلم‌های «شقام‌گیرندگان» است به چاپ رسانده و موفقیت او در خروج از اعتیاد را بازنتاب داده است.

عروسک خیمه شب بازی

هفت‌نامه اشپیگل به انتقاد از حزب الترناتیو برای آلمان پرداخته و از تمایلاتش به روسیه می‌گوید. این نشریه در مقاله خود با عنوان «عروسک‌های خیمه شب‌بازی پوتین» در خصوص حزب الترناتیو بسیاری آلمان را با AFD و آنچه که راهمای سواستفاده کرملین از این حزب برای رسیدن به مقاصد در غرب اروپا بخصوص آلمان خوانده را تشریح می‌کند. اشپیگل مقاله‌ای نیز در خصوص تحقیقات همه‌جانبه اخیر آلمان در چشم‌انداز جمعیتی این کشور برای سال ۲۰۲۵ به چاپ رسانده که هسته مرکزی کوچک‌تر و گسترده‌تری جمعیتی زیادتری را برای آلمان متصور است.



گزارش از شخص

آقای مدیر بالفطره

«مهدی تاج» نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا شد

ایستگاه / مجید تربت زاده

خبر انتخاب «مهدی تاج» به عنوان نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا، شاید برای فوتبال ایران خیلی غیرمنتظره و یا خوشحال کننده نباشد، اما برای این صفحه و گزارش از شخص بهانه خوبی است. در واقع این دومین بار است که «تاج» جای «کفاشیان» را در یک پست فوتبالی می‌گیرد و برای ما که پیش از این «کفاشیان» را چند بار سوزه مطالب این صفحه کرده و حتی او را به اندازه توانمان نواخته‌ایم، فرصت خوبی است که جانشینش را هم زیر ذربین گذاشته و کمی او و کلنجار برویم؛ نکته مهم و شاید کمتر گفته شده درباره نایب رئیس شدن «تاج» در کنفدراسیون فوتبال آسیا این است که رئیس فدراسیون فوتبال کشورمان برای رسیدن به پست آسیایش تنها یک توپ از کشور قریقزیستان داشت که پیش از آغاز رقابت، انصراف داد تا «تاج» براحتی روی صندلی نایب رئیسی بنشیند و جای هموطنش را بگیرد.

۵۰ رای قاطع

زندگی‌اش بیهن سال ۱۳۳۸ در اصفهان آغاز می‌شود، اما اینکه ما «تاج» را فقط در کسوت قائم مقامی، معاونت، مدیرعاملی یا ریاست فوتبالی دیده‌ایم دلیل نمی‌شود که تماماً در خانواده‌های فوتبالی و مدیریتی به دنیا آمده باشد. واقعیتش اینکه از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعات به دردیخور چندانی پیدا نکرده‌ایم. همین قدر می‌دانیم در سال ۱۳۹۵ که داوطلب ریاست فدراسیون فوتبال شد، تبلیغات انتخابی‌اش نشان می‌داد از کودکی اهل فوتبال و دنیای توپ گری بوده‌است. رئیس سابق یعنی «کفاشیان» بدون داشتن حتی یک عکس یا کفش و لباس فوتبالی توپ فوتبال در حالی که رشته تخصصی‌اش دوپمپدانی بود و کارمند وزارت دارایی به حساب می‌آمد، سال‌ها روی صندلی ریاست نشست بود. «تاج» که در برنامه‌ها و تبلیغاتش نوشته بود: «ز نوهایی در رشته فوتبال فعالیت کرده و در تیم منتخب مدارس حضور داشته است... سه سال عضو تیم فوتبال منتخب آموزشگاه‌های استان اصفهان بودم. سابقه عضویت در تیم فوتبال ذوب آهن و بازی در سیت هافیک را دارم... خدا می‌داند این سابقه فوتبالی در انتخابات سال ۹۵ چقدر به دردش خورد، اما در هر حال او توانست با ۵۰ رای، دو قریقش را پشت سر بگذارد و براحتی روی صندلی ریاست فوتبال ایران بنشیند.

معاونت، مدیریت و غیره

البته سوابق و مدیریت‌های او فقط به ورزش خلاصه

نمی‌شود. «تاج» آن طور که پرونده‌اش نشان می‌دهد در دوران جوانی انقدر مشغله داشته و درگیر پست‌های فوتبالی در مستطیل سبزی بوده که چند سالی برای مدیریست در فوتبسال انگار فرصتی نداشت است. از ۲۱ سالگی به مدت چهار سال معاون بنیاد (شاید مستضعفان) اصفهان شده است. سه یا چهار سال هم سابقه حضور در جبهه‌ها را دارد و به افتخار جانبازی در حد ۴۵ درصد هم نایل شده و پس از جنگ قائم مقام اداره کل بازرگانی اصفهان می‌شود. بعد نوبت به شرکت ذوب‌آهن می‌رسد که «تاج» تا سال ۱۳۷۹ معاونت فروش و صادرات آن را به عهده می‌گیرد. پنج سال حضور در هیئت مدیره شرکت فولاد مبارک و همچنین معاونت فروش این شرکت، مدیرعاملی شرکت‌های فولاد غدیر و شرکت متیل هم از جمله مسئولیت‌های غیر فوتبالی است که تا سال ۱۳۸۷ ادامه دارد. البته «تاج» از سال ۱۳۷۰، مدیریت‌های ورزشی‌اش هم آغاز می‌شود. مدیرعاملی باشگاه ورزشی سیپان سباجان در لیگ سراسری، سه سال ریاست هیئت مدیره باشگاه باشگاه ورزشی ذوب‌آهن، ریاست هیئت مدیره باشگاه فولاد مبارک، عضویت در هیئت مدیره باشگاه پرسپولیس، دبیرکل اتحادیه مدیران فوتبال کشور، نایب رئیسی فدراسیون فوتبال ایران، ریاست کمیته تیم‌های ملی فوتبال ایران، ریاست سازمان لیگ و نشان می‌دهند که نایب رئیس جدید کنفدراسیون فوتبال آسیا حداقل چشم و دلش از کرسی‌های ریاست و معاونت سیر است و از این حیث سابقه برابری دارد. البته در میان مسئولیت‌های ریز و درشت فوتبالی و غیرفوتبالی او شاید جایب‌ت از همه «ریاست کمیته داوران» فدراسیون فوتبال باشد. یعنی حالا شما باید بگردید در سوابق ورزشی و فوتبالی، عکسی از «تاج» را در لباس داور پیدا کنید!

راز ماندگاری

یک نگاه کلی به گذشته‌اش نشان می‌دهد «تاج» از همان دوران جوانی علاقه و گرایش به سمت پست‌های مدیریتی دارد و البته به وجود حضور در سازمان‌ها و نهادهایی چون بنیاد، وزارت بازرگانی، شرکت‌های مختلف فولاد و ذوب آهن و... بیشتر دوست داشته و دارد که در پست و مقام‌های مدیریتی مرتبط با ورزش فعالیت کند. تقریباً در همه دوران مدیریتش هم تلاش کرده، از تبادلتش با فوتبال قطع نشود. بنابراین اگرچه بالاتر نگفتم اما شما می‌توانید در سوابق ۱۰ سال مدیرمسئولی نشریه «جهان فوتبال» را هم پیدا کنید. این‌ها را گفتم که فکر نکنید اصرار‌های چند ماه پیش و یک سال گذشته او مبتنی بر ماندن روی صندلی ریاست فدراسیون فوتبال (با وجود قانون منع به

کارگیری بازنشستگان) برای لجبازی با قانون بوده است! «تاج» انگار در عالم ورزش، مدیر بالفطره است و به این زودی‌ها هم قصد بازنشستگی ندارد. البته ماندن او روی صندلی ریاست را هم باید مدیون قانون دانست که به جانبازان جنگ تحمیلی اجازه می‌دهد پس از رسیدن به سن و شرایط بازنشستگی بازم به فعالیت ادامه دهند. با اینکه فدراسیون فوتبال اصراً داشت از جمله سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی به حساب نمی‌آید، اما ابهام و گاهی هیاهو بر سر ماندن یا رفتن «تاج» از فدراسیون فوتبال تا ۶ ماه پیش ادامه داشت تا اینکه در ۱۸ شهریور ۹۷ اعلام شد «تاج» با توجه به ارائه مدرک ۵۲ درصد جانبازی، مشمول قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان نمی‌شود. اگر هنوز برایتان سؤال است که چگونه بدون درصد جانبازی «تاج» از ۴۵ به بالای ۵۰ درصد رسید، می‌توانید توضیحات مدیر کل کمیسیون پزشکی بنیادشهادت و امور ایثارگران را بخوانید: «پشان هم مثل همه جانبازان با توجه به گذشت زمان می‌توانند جهت تجدید نظر در خصوص درصد جانبازی مجدد در کمیسیون شرکت کنند. با گذشت زمان و افزایش سن و تعویض مفصل راست زانو و افزایش دیگر عوارض، پزشکان و متخصصان نظر داده‌اند که پرونده ایشان در کمیسیون مطرح و تصمیم‌گیری شود... با توجه به افزایش سن، عوارض موجود، عمل جراحی لگن، تعویض مفصل و اینکه ایشان ۱۰ سال به کمیسیون مراجعه نکرده، ممکن است تغییراتی در درصد جانبازی‌اش به وجود بیاید». البته در خبرهای سال پیش از همین مقام مسئول، خبری با این تیتیز نیز دیده می‌شود: «مهدی تاج و هیچ مسئول دیگری برای افزایش درصد جانبازی، درخواست نداده‌اند!»

اسطوره پورتنوس

شاید بشود سرمربی تیم ملی را بزرگ‌ترین چالش دیروز و امروز و دوران ریاست او بر فدراسیون فوتبال نامید. چه زمانی که «کی روش» هنوز از ایران نرفته بود و چه امروز که فوتبال ایران سرمربی ندارد و همه منتظرند تا فدراسیون فوتبال از سر مری جدید رونمایی کند. «تاج» دو هفته پیش در این باره گفت: «کی روش مری سخته‌کوش و قوی‌ای بود که مثل همه انسان‌های دیگر نقاط قوت و نقاط ضعفی داشت... ولی چیزی که او را از بقیه متمایز می‌کرد وقت گذاشتنش برای کارهای مختلف بود... من در کل سخته‌کوشی کی‌روش را بهترین ویژگی او می‌دانم... اختلافاتی با من داشت که چون مربوط به گذشته است ترجیح می‌دهم حرفی دربارش نزنم... برای تیم ملی فوتبال ما اول دنبال کسی هستیم که روند مثبت کی‌روش را ادامه دهد و این اثر مثبت را از بین نبرد... دوم کسی بیاید که روی همه تیم‌های ما با حالت مدبرانه و بدانه نظرات داشته باشد...»

البته در اینکه «تاج» واقعاً دنبال گزینه مناسبی برای سرمربیگری تیم ملی است حرفی نیست، اما این شبکه‌های اجتماعی هستند که گاف یک ماه پیش او در یک برنامه تلویزیونی را دستمایه این پرسش قرار داده‌اند که مسئولان فدراسیون فوتبال با کدام شناخت می‌خواهند برای تیم ملی سرمربی انتخاب کنند؟ ماجرا از این قرار است که «تاج» در پاسخ به مجری برنامه که

پرسید: آیا «وینچنزو موتلا» یکی از گزینه‌های مطرح شده برای جانشینی کی روش را می‌شناسید، گفت: بله من موتلا را می‌شناسم، او اسطوره باشگاه یوننتوس است! این در حالی است که «موتلا» اسطوره تیم «رم» به حساب می‌آید و هرگز در یوننتوس بازی نکرده است.

محاكمه كنيتم

اظهاری نظر و قضاوت درباره دوره سه ساله مدیریت او بر فوتبال ایران البته کارآسانی نیست. در چند سطر این مطلب فقط می‌شود نگاهی به دوران تقریباً پر فراز و فرود ریاست او انداخت و برخی چیزها را با هم مقایسه کرد. مردی که با برنامه‌های ۱۴ صفحه‌ای به فدراسیون فوتبال آمد و لایند قرار بود تحویلی ایجاد کند در آخرین ماه‌های سال گذشته نه تنها از فوتبال آمد و لایند قرار بود تحویلی ایجاد کند و کنترل کند و نه آبی به روی آتش اختلاف او با «برانکو» بیاشد، زمینه آرامش را برای حضور تیم ملی در بازی‌های آسیایی فراهم کند. او که در نخستین روزهای فروردین سال گذشته گفته بود: «امروز در نخستین روزهای سال ۹۷، هدف گذاری فدراسیون فوتبال برای سال جاری بخشی اقتصادی است. همه تلاش ما در سال جاری در فدراسیون می‌یاست بر این نکته معطوف باشد که در بحث اقتصادی فعال عمل کنیم.» در اسفند ماهی که گذشت اعتراف کرد: «این فوتبال الان کم درآمد شده و پول دآوری و خیلی از بخش‌ها را نذریم که بدهیم و سرمربی تیم ملی را نمی‌توانیم انتخاب کنیم. چه کسی فوتبال را به این شرایط رسانده است... گفتن این‌ها شهادت می‌خواهد... همه ما دایم چه کسانی این کارها را کردند. همان‌ها را بباییم محاکمه کنیم و بخوابیم توضیح بدهند!» به نظر شما «تاج» با این رخسار خسته خواسته بود توپ مشکلات ریاست دار فوتبال ایران را به زمین چه کسانی بیندازد؟



روزمره نگاری



غم همسایه می‌خوریم

رقیة نوسلی

آهای سسلی! قصه ندارم ببرسم چرا دختر چهار ساله را... چهپزه تازه عروس‌ها را با خودت بردی؟ از خانه‌هایی که آواز کردی نمی‌برسم... از مزایعی که تا چشم کار می‌کند دیگر نیستند... از جو، برنج، کلزا و گندمی که یکجا بلعبدی... نمی‌خواهم قصه گوسفندانی را تعریف کنم که نگذاشتی دوباره بچرند و چوپان‌ها برایشان نی بزنند... نه... نمی‌خواهم نشانی شهری را ببرسم که بی‌خبر و دوان دوان سنجاق کردی‌اش به دریا... از لشکر گل و لای لجبازی که هنوز دست بردار نیست نمی‌گویم... از ناله‌های مرنانه وسط خرابه‌های پُرآب و از زن آستنی که نمی‌داند جفجغه و گهوآره کودکش را کدام گوشه بهار باید پیدا کند...

هروربوی سیمای ملی نستهمام و با اخبار سیل، هزاربارہ خراب و آوارام که «گل ترمه» از شانه‌هایم آویزان می‌شود که خاله‌ای! دلم می‌خواد به رازی رو بهت بگم؟ متأثر می‌گویم؛ چلم؟ و می‌شنوم که زشت‌ترین خاله دنیام وقتی که گریه می‌کنم! نمی‌دوم چه جور در این لحظه خاص باید مدیریت بحران کنم و حاج و واجی و غم‌گینی‌ام را رو نکنم. پس سعی را رها می‌کنم و تصمیم می‌گیرم اشک بریزم و اشک بریزم تا زشت‌ترین خاله دنیا باشم اما دلم سُر‌سوزنی، آرام بگیرد. گلی می‌دود و با جعبه دستمال و یک مشت اسکناس بنفش و سبز برمی‌گردد، می‌نشیند روه‌برویم. فین فین کنان لبخند می‌زنم به چشمان خوش‌رنگش. کله تکان می‌دهم که: باز جی توی سُرته، کوچولو! مثل حرف‌های، مثل بانگی‌ها، عیدی‌های تاخورداهش

آینده‌نگاری

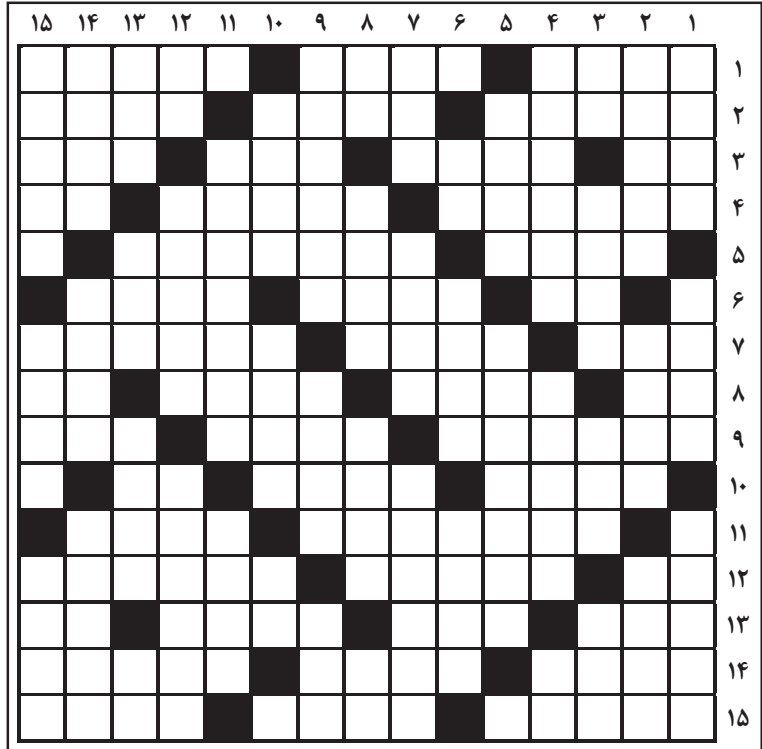
بوی استیک، بوی گوشت بوی پنت هاوس توی برج!

م. نظرافتی



شهردارش هم آن را نمی‌شناسد! مسئولینما به ژاپنی‌ها گفته‌اند «کزی» و علاوه بر آپارتمان ضد زلزله، آپارتمان ضد سیل هم ساخته‌اند! مسئولاتی که در سیل سال گذشته مقصر بودند هم هم برکنار شده‌اند و قرار نیست هیچ کدامشان زیر پوستی از یک استان به استان دیگر منتقل شده یا در انتخابات بعدی به عنوان وزیر پیشنهادی معرفی شوند. بچه‌هایشان هم از کانادا برگشته‌اند. شاسی بلندهایشان را فروخته‌اند و پراید ۷ میلیونی خریدند و درحال حاضر توی اسنپ مشغولند. راستی گفتیم! پراید دوباره ۷ میلیون شده، ولی انقدر ماشین‌ساز کروک و کوپه زیاد است که کسی رغبت نمی‌کند به پراید نگاه کند. خلاصه آنچنان رونق اقتصادی‌ای ایجاد شده که نگوا حتی روزنامه نگارها هم دستشان به دهنتان می‌رسد و مجبور نیستند برای اجاره عقب افتاده خانه شان جلوی هر کس و تا کسی گردن کنند.

کم کم باید بروم چون از داخل آشپزخانه بوی دود می‌آید؛ فکر کنم نزدیک است که استیک‌ها بسوزد. شاید باورتان نشود ولی حقوق‌ها آن قدر افزایش پیدا کرده که مردم معمولی می‌توانند گوشت بخورند! فروردین ۱۳۹۸



که در تولید صنعتی پلی‌استر، نایلون و... به کار می‌رود. ۱۲. آبنبد - حیوانی چوننده که در مقابله مار با تکان شدید دمش باعث ایجاد امواج مادن قرمز و به هم خوردن تعادل مار می‌شود- اسب ماده ۱۳. رنگ بخش - پدربزرگ رستم - معمای فرنگی - ویتامین جدولی ۱۴. زیولاب - سرباز همه فن حریف - از شاعران سرشناس روم باستان که با اینکه لامذهب بود مذهب را توصیه می‌کرد ۱۵. مایعی بی‌رنگ و تندبو که اکثر فلزات را حل می‌کند - به هم پیوسته - چهره

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۲	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۳	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۴	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۵	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۶	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۷	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۸	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۹	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۰	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۱	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۲	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۳	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۴	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م
۱۵	ب	ا	و	ز	ح	ا	س	ل	ا	م	س	م	س	م

منظور نظر، دیدگاه‌ها و انتقادها را در بخش نظرات در خصوص جدول هشتم با ما تماس بگیرید